

بنابر آنچه در ملاقات روز دوشنبه ۲۳ آبان ۱۳۷۹ گفتید چند نکته زیر را کتباً نیز به استحضار می‌رسانم:

به‌هنگام تحویل خانه پدر و مادرم به ما ده روز پس از قتل آنان، خانه دچار به‌هم ریختگی‌های فراوان بود. آرشیو روزنامه‌ها و اعلامیه‌های پدر و مادرم، دست‌نوشته‌های آنان، کتاب‌ها، حتی قفسه لباس‌ها در هم ریخته و بی‌نظم شده بود. این بی‌نظمی به شهادت دوستان پدر و مادرم که اجساد آنان را کشف کردند برجا مانده از قاتلان نبوده. خود من نیز سه روز پس از قتل به مدت کوتاهی اجازه یافتم تا از خانه‌مان بازدید کنم. تنها کمی به‌هم ریخته بود. همچنین دریافتیم که اسناد و مدارک مهم زندگی سیاسی پدر و مادرم برده شده‌اند از جمله یادداشت‌های روزانه پدرم، یادداشت‌های او بر سر مساله ولایت فقیه، دفتر شعرهای مادرم و...

از این مساله نزد قاضی پرونده شکایت رسمی کردیم و خواستار تحویل فهرست کامل اشیا و مدارک برده شده از خانه و تحویل آن بخش از این مدارک که برای پیگیری پرونده قتل آنان ضروری نمی‌باشند شدیم. این فهرست درخواستی هیچگاه به ما داده نشد و از میان اشیا و مدارکی که برده شده بودند در تاریخ ۷۸/۵/۲ تعدادی به من بازگردانده شد که برگه تحویل را ضمیمه می‌کنم. در پرونده نیز موجود است. چنان‌که در فهرست نیز مشاهده می‌کنید آنچه برای ما مهم بوده هنوز پس از دو سال بازپس داده نشده. در پرونده ثبت شده که قاضی اول تحقیق، آقای بهمنش در تاریخ ۷۷/۹/۷ دستور فک پلمپ خانه را داده و ماموران اطلاعات ناجا در همان روز از ساعت ۱۴ تا ۲۲ خانه را در اختیار داشته‌اند و "تعدادی از اسناد و مدارک را با خود انتقال دادند." پیگیری از این ارگان برای پس گرفتن این مدارک در پرونده موجود نیست.

همچنین گزارش بهمنش از شب کشف قتل حاکی از آن است که عده زیادی از ماموران اطلاعات در خانه حضور داشته‌اند. تحقیقات در مورد آن‌که آیا این افراد مدارکی را باخود برده‌اند یا نه، در پرونده موجود نیست.

از این رو تقاضا دارم در این مورد پیگیری نمائید. بارها قول این پیگیری به ما داده شده اما با توجه به پرونده پیگیری انجام نشده.

تقاضای باز پس دادن مدارک زندگی سیاسی پدر و مادرم را دارم. از جمله: یادداشت‌های روزانه پدرم، یادداشت‌های سیاسی پدرم، نوشته‌های پدرم بر سر مساله ولایت فقیه، دفتر شعرهای آخر مادرم (کلاسور بزرگ خاکستری حاوی شعرهای او از سال ۷۵ به بعد)، نوارهای صوتی مصاحبه‌هایشان، چند نوار ویدئویی از نشست‌های سیاسی‌شان، آرشیو اعلامیه‌های حزب ملت ایران قبل و بعد از انقلاب.

بارها تقاضای پس گرفتن لباس‌های پدر و مادرم که به‌هنگام قتل به تن داشته‌اند را کرده‌ام، بارها به من گفته شده که جزء مدارک ضمیمه پرونده می‌باشند. اگر این لباس‌ها برای تحقیقات لازم نمی‌باشند تقاضا دارم به من بازگردانده شوند. همچنین عکس‌های جسد‌های پدر و مادرم و فیلمی که از صحنه قتل تهیه شده در پرونده موجود نیست. این مدارک برای اثبات صحت تحقیقات انجام شده به ویژه در مورد نحوه پوشش آنان هنگام تحویل جسد‌ها به آمبولانس پزشکی قانونی لازم می‌باشند، و من نیز تقاضای مشاهده و داشتن کپی از آنها را دارم. (۱) این عکس‌ها و فیلم به‌هنگام تحویل پرونده به دادستانی نظامی ضمیمه آن بوده‌اند که در پرونده مدرک تحویل آن ثبت است.

نقایص فراوان پرونده را وکلا اعلام کرده‌اند، که البته با توجه به حجم بسیار زیاد آن بسیار کلی مطرح شده و با هر بار بازخوانی یادداشت‌هایی که به‌دقت از پرونده برداشته‌ایم نکات جدیدی به‌منظر می‌رسند. از جمله در صورت‌جلسه‌ای به تاریخ ۷۷/۹/۲۸ تحویل یک قبضه اسلحه به‌همراه خشاب مربوطه و یک خشاب متفرقه از اداره کل اطلاعات ناجا که «عوامل این اداره در روز کشف قتل از منزل فروهر پیدا کرده و تا این تاریخ در اختیار آنان بوده» ذکر شده. هیچ‌گونه تحقیقاتی در این مورد در پرونده موجود نیست. از جمله تطابق اثر انگشت یا حتی تحقیق که این اسلحه دقیقاً در چه مکانی در خانه پیدا شده است.

اگرچه تحقیق در برخی موارد با توجه به گذشت زمان طولانی دشوار می‌باشد اما دستگاه قضایی مسئول این سهل‌انگاری‌ها می‌باشد و بایستی در جهت جبران آن حداکثر کوشش انجام گیرد.

با احترام

پرستو فروهر، ۲۶ آبان ۱۳۷۹

۱- در گزارش پزشکی قانونی آمده که جسد‌های داریوش و پروانه فروهر به‌هنگام تحویل به این ارگان تقریباً برهنه بوده‌اند.